چلچراغ کرامت نگاهي به زندگاني حضرت معصومه (سلام الله عليها(

محمد خطيبي کوشکک

چکيده‏

اين مقاله به مناسبت سالروز ارتحال بانوي کرامت، حضرت فاطمه معصومه گزارشي‏کوتاه از زندگاني، عظمت و منزلت خدايي دخت والاگهر حضرت موسي بن جعفر(عليهما السلام) تقديم مي‏نمايد.

آن چه سبب تأسف است آن که خفقان حکومت سياه هارون امکان تجلي وشکوفايي انوار طيبه فرزندان امام کاظم عليه السلام را چنانکه بايد، نداد و آنان همواره‏تحت مراقبت نظام ننگين عباسي بوده‏اند و نتوانستند فضايل خود را در جامعه مسلمانان‏آشکار کرده، انسانيت تشنه را از سرچشمه‏هاي دانش و معنويت خود سيراب سازند.

از اين رو گستره حيات طيبه اين بزرگان در هاله‏اي از ابهام فروماند و تاريخ نتوانست‏عرصه‏هاي بيشتري را در شرح حال آنان بنگارد. تنها راه ورود به شبستان عظمت‏وجودي آنان و تنها دروازه براي راه يافتن به گلستان حيات آنان رواياتي است که از سوي‏امامان شيعه به يادگار مانده است. اينک با استفاده از آن سخنان، رهيافت‏هايي را براي‏شناسايي قدر و منزلت بانوي آب و آينه در اختيار شيفتگان و ارادتمندان ملکه بزرگ‏عصمت و طهارت قرار مي‏دهيم.

کليدواژه‏ها: حضرت معصومه، القاب، سخن امامان، سيره عالمان بزرگ شيعه،کرامت.

مقدمه‏

گر حور زلف غاليه پرور کند همي‏

خود توتيا ز تربت اين در کند همي‏

اين بارگاه کيست که نور رواق آن‏

آفاق را به جلوه منور کند همي‏

اين بارگاه دختر موسي بن جعفر است‏

معصومه کسبِ نام ز مادر کند همي‏

نامش بود چو جده خود نام فاطمه‏

زين نام عرش، زينت و زيور کند همي‏

نار جحيم و شعله آن در پل صراط

پرواز دخت موسي جعفر کند همي‏

اين درگه است تا که شفاعت ز عاصيان‏

در حشر از سلاله حيدر کند همي‏

اميد آنکه از در لطفت نراني‏ام‏

وصف تو همچو قند مکرر کند همي[1]

1. زندگينامه حضرت معصومه(س)

نام: فاطمه کبري‏

لقب مشهور: معصومه - کريمه اهلبيت‏

پدر: حضرت موسي بن جعفر عليه السلام، امام هفتم شيعيان.

مادر: حضرت نجمه خاتون(س) مادر امام هشتم عليه السلام.

تاريخ ولادت: اول ذيقعدة الحرام 173 ق.

محل ولادت: مدينه منوره‏

ورود به قم: 23 ربيع الاول، 201 ق‏

تاريخ رحلت: 10 ربيع الثاني، 201 ق‏

سن مبارک: 28 سال‏

2. القاب حضرت معصومه(س)

لقب‏هاي شخصيت‏هاي برجسته و الگو، جلوه‏هايي از هويت متعالي آنان رابيان مي‏کنند. در واقع هر لقبي در حکم قطعه‏اي از جدول شخصيت بزرگ آنان‏است که با کنار هم نهادن القاب و انديشيدن در آنها مي‏توان بيشتر به عظمت‏واقعي و آسماني اين ذوات روحاني پي برد و بدانها نزديک شد. از همين رو،مروري کوتاه بر القاب بانوي دو عالم کريمه اهل بيت مي‏تواند ما را با شخصيت‏ملکوتي او آشناتر کند.

2 - 1. معصومه: بر اساس روايت کتاب پر ارج (ناسخ التواريخ) لقب‏معصومه را امام هشتم به خواهر گرامي‏اش اعطاء فرموده‏اند: (مَنْ زار المعصومةبِقُمِ کَمَن زارَني؛ هر کس معصومه را در قم زيارت کند، مانند کسي است که مرازيارت کرده است.) [2]

2 - 2. کريمه اهل بيت: ارادتمندان و ستايشگران حضرت معصومه(س) از عهد باستان تاکنون به هنگام مدح و ستايش خاتون دو سرا در نظم و نثر لقب‏کريمه اهلبيت را بر او اطلاق مي‏کنند. واقعي بودن اين لقب براي حضرت از راه‏رؤياي صادقه عالم بزرگ، نسب‏شناس گرانقدر مرحوم آيت اللّه سيد محمودمرعشي نجفي (متوفاي 1338 ق) پدر بزرگوار آيت اللّه العظمي سيدشهاب‏الدين مرعشي نجفي تاييد شده است.[3]

2 - 3. شفيعه روز جزا: اعتقاد به شفاعت انبياء و اوليا از ضروريات عقايدشيعيان است. شيعه بر اساس آيات و روايات اعتقاد راسخ به شفاعت پيامبران،امامان و مقربان درگاه خداوند دارد.

دليل شفيعه بودن حضرت معصومه(س) رواياتي است که از ائمه‏معصومين به ما رسيده است. از جمله امام صادق عليه السلام جد بزرگوار آن‏حضرت دخترش را پيش از آنکه خود و پدرش به دنيا بيايند، چنين معرفي‏مي‏کند:

بانويي از فرزندان من به نام فاطمه دختر موسي در آنجا (قم) رحلت مي‏کند که‏با شفاعت او همه شيعيان ما وارد بهشت مي‏شوند.[4]

در فرازي از زيارتنامه آن حضرت که از سوي امام هشتم(ع) انشا شده ودر اختيار شيعيان نهاده شده است نيز مي‏خوانيم: (يا فاطِمةُ اشْفَعي لي فِي‏الجَنَّةِ...) [5]

2 - 4. دانشمند آل عبا: از روزي که شبه جزيره عربستان در سايه تعاليم‏حياتبخش اسلام از تاريکي ناداني رست و در پرتو نوراني آموزه‏هاي قرآن قرارگرفت، بانوان فرهيخته‏اي در کنار مردان فاضل و دانشمند پرورش يافتند که‏تاريخ بشر را با اسامي زيباي خود مزيّن نموده‏اند.

از نمونه‏هاي بارز اين بانوان در خاندان عصمت و طهارت، سرآمد بانوان‏جهان، فاطمه معصومه(س) است. تاريخ، داستان‏هايي را که نشانگر علم وفضيلت آن بانوي نور و معرفت است متعدد به ياد دارد که به يک فراز تاريخي درحد حوصله اين مقال بسنده مي‏شود:

جمعي از شيعيان در زمان امام کاظم(ع) به قصد ديدار آن حضرت و پرسيدن‏سؤالاتي وارد مدينه شدند. آنان زماني به مدينه رسيدند که امام کاظم(ع) در سفربودند. از اين رو سؤالات را نوشته و به حضرت معصومه تحويل دادند و رفتند تا فرداآمده پاسخها را از امام دريافت دارند. روز بعد که مي‏خواستند از مدينه به وطن‏بازگردند به خانه امام(ع) مشرف شدند. اما حضرت موسي بن جعفر(ع) هنوز ازمسافرت بازنيامده بود. از آنجا که ناگزير از بازگشت بودند، پرسش‏هاي خود را بازپس‏خواستند تا در سفر بعدي پاسخشان را از امام خود پرس و جو کنند.

حضرت معصومه سلام الله عليها پاسخ پرسشها را به همراه سؤالات به آنها تسليم‏کرد. آنها از اين قضيه شادمان شده و به قصد وطن مدينه را ترک کردند. از حسن اتفاق‏در راه با امام کاظم(ع) مواجه شدند و ماجرا را براي حضرت بازگو کردند. حضرت‏فرمود نوشته را به من دهيد. چون پرسشها و پاسخها را مطالعه کرد سه بار فرمود:(فَداها اَبُوها) .[6]

با توجه به اينکه حضرت معصومه در هنگام دستگيري و زنداني شدن پدرخردسالي بوده، اين واقعه دلالت بر مقام علم لدني حضرتش دارد.

2 - 5. محدثه آل طاها: راويان حديث و ناقلان مواريث رسول خدا و ائمه‏هدي(ع) حق بسيار بزرگي بر امت اسلامي، بلکه بر بشريت دارند که با تلاش‏و مقاومت فداکارانه و طاقت‏فرسايشان آموزه‏هاي والاي اسلام را حفظ و حراست ومنتقل نموده‏اند. روايات پرشماري از شرافت و فضيلت راويان سخن گفته‏اند تاآنجا که برخي، از آن روايات، خود کتابهاي مستقلي شده‏اند. از جمله آنها، کتابي‏است به نام (شَرَفُ اَصْحابِ الحَدي ثِ) نوشته خطيب بغدادي(متوفاي 463) .

در ميان رُواتْ تعدادي از بانوان صاحب فضل وجود دارند که نام آنان درميان محدثان مي‏درخشد. از جمله آن بانوان، حضرت معصومه دختر گرامي‏امام موسي بن جعفر(ع) است. حضرتش احاديثي را با سلسله اسنادي نقل‏کرده که به جده گرامي‏اش فاطمه زهرا سلام الله عليها ختم مي‏شود. اين‏حضرت در روايت از چنان وثاقت و موقعيت ويژه‏اي برخوردار است که هم‏محدثان شيعه و هم سني احاديثي را از او روايت کرده‏اند.

براي نمونه حديثي را از حافظ شمس‏الدين محمد جزري شافعي(متوفاي 833 ق) در کتاب (اَسْنَي المَطالِبِ في مَناقِبِ سِيِّدِناعَلِيِّ بْنِ ابيطالِبْ) نقل مي‏کنيم:

مؤلف در ميان احاديث غدير خم حديثي را از حضرت زهرا سلام الله عليهابا سندي نقل مي‏کند که حضرت معصومه(س) در سلسله سند آن قرار دارد:

... علي بن محمد جعفر اهوازي (غلام هارون) از بکر بن احمد قصري، از فاطمه‏دختر علي بن موسي الرضا(ع) از (فاطمه) و زينب و ام‏کلثوم دختران موسي‏بن جعفر(ع) از فاطمه دختر امام صادق(ع) ، از فاطمه دختر محمد بن علي(امام باقر) از فاطمه دختر علي بن الحسين، از فاطمه و سکينه دختران امام‏حسين بن علي از ام‏کلثوم دختر فاطمه دخت پيامبر(ص) از فاطمه دختر رسول‏اکرم(ص) که فرمود:

أَنَسيتُم قَوْلَ رَسُولِ اللّهِ(ص) يَوْمَ غَديرِ خُمْ: مَنْ کُنْتُ مَوْلاه فَعَلِيٌّ مَوْلاهُ،وَ قَولَهُ: اَنْتَ مِنّي بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسي(ع) .[7]

حضرت معصومه(س) القاب ديگري هم دارد که براي رعايت اختصار به‏ذکر نام آنها اکتفا مي‏شود: طاهره، حميده، رشيده، تقيه، نقيه، رضيه، مرضيه،سيده، اخت الرضا(ع) .[8]

3. حضرت معصومه(س) در سخن ائمه عليهم السلام‏

در ميان فرزندان امام کاظم(ع) با آن همه کثرتشان بعد از امام‏رضا(ع) کسي همتاي حضرت معصومه(س) نيست.[9]

براي جلب توجه مخاطبان فرهيخته به عظمت فوق العاده و شخصيت ويژه‏حضرت نزد ائمه(ع) سخنان چند تن از امامان نور درباره اين بانوي نور وعصمت را تقديم مي‏داريم:

3 - 1. امام صادق عليه السلام:

اَلا إنَّ لِلّهِ حَرَماً وَ هُوَ مَکَّةُ، اَلا إنَّ لِرَسُولِ اللّهِ حَرَماً وَ هُوَ المَدينَةُ، اَلا إنَّ لِاَميرِالْمُؤْمِنينَ حَرَماً وَهُوَ الکُوفَةُ اَلا إنَّ حَرَمي وَ حَرَمَ وُلْدي بَعْدي قُمْ. اَلا إنَّ قُمَ کُوفَتُناالصَّغيرَةُ اَلا إنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمانِيَّةَ اَبْوابٍ ثَلاثَ مِنْها اِلي قُمْ. تُقْبَضُ فيها اِمْرَأَةٌ هِيَ مِنْ وُلْدي وَاِسْمُها فاطِمَةُ بِنْتُ مُوسي تَدْخُلُ بِشَفاعَتِها شيعَتُنا الجَنَّةَ بِاَجْمَعِهِمْ.[10]

3 - 2. امام رضا عليه السلام:

مَنْ زارَ الْمَعْصُومَةَ بِقُمْ کَمَنْ زارَني.[11]

و فرمود:

اِنَّ زِيارَتَها تَعادِلُ الجَنَّةَ.[12]

و حضرتش فرمود:

يا سَعْدُ عِندَکُمْ لَنا قَبْرٌ؟ قُلتُ: جُعِلتُ فِداکَ قَبرُ فاطِمةَ بِنْتِ مُوسي(ع) .قالَ: نَعَم. مَنْ زارَها عارِفاً بِحَقِّها فَلَهُ الجَنَّةَ.[13]

3 - 3. امام جواد عليه السلام:

مَنْ زارَ قَبْرَ عَمَّتي بِقُمْ فَلَهُ الجَنَّةُ.[14]

4. سيره عالمان شيعه در زيارت و عقيده به حضرت‏معصومه(س) :

4 - 1. ملاصدراي شيرازي.

مرحوم صدر المتالهين از فيلسوفان بلندآوازه و صاحبِ کتابِ مهم(حکمت متعاليه در سفرهاي چهارگانه) (اسفار) پس از هجرت از شيرازساکن روستاي کهک از توابع شهر قم گرديد. او کتاب بزرگ خود را که يک‏شاهکار فلسفي است در همين روستا نوشت.

ملاصدرا مي‏گويد: وقتي شبهه‏اي برايم پيش مي‏آمد که از حل آن عاجزمي‏ماندم، به کنار مزار حضرت معصومه(س) در قم مي‏آمدم و از آن حضرت‏استمداد مي‏کردم شبهه فلسفي من حل مي‏شد.[15]

4 - 2. محدث بزرگ شيخ عباس قمّي.

محقق نامدار شيخ عباس قمي درباره شخصيت نمونه دختر موسي بن‏جعفر فاطمه معصومه - سلام الله عليها - چنين مي‏نويسد: افضل دختران‏حضرت موسي بن جعفر(ع) سيده جليله معظمه فاطمه بنت امام‏موسي(ع) معروف به حضرت معصومه(س) است که مزار شريفش دربلده طيبه قم، و داراي قبه و ضريح و صحن‏هاي متعدد و خدمه بسيار و موقوفات‏است.

او روشني چشم اهل قم و ملاذ و معاذ عامّه خلق است و در هر سال جماعات‏بسيار از بلاد بعيده شدّ رحال کنند و تعب سفر کشند به جهت درک فيوضات اززيارات آن معظمه سلام الله عليها.[16]

4 - 3. زعيم عاليقدر حوزه آيت الله العظمي سيد حسين طباطبائي‏بروجردي.

در زمان طاغوت شاهِ وقت عربستان سعودي به ايران آمد و براي حضرت‏آيت الله بروجردي هدايايي فرستاد. ايشان جز قرآنها و مقداري از پرده کعبه‏مابقي را پس فرستاد و در ضمن، تقاضاي ملاقات شاه سعودي را رد کرد.

وقتي از ايشان دليل نپذيرفتن شاه سعودي را پرسيدند، فرمود: اين شخص‏اگر به قم بيايد و به زيارت حضرت فاطمه معصومه(س) نرود، توهين به آن‏حضرت است و من تحمل آن را به هيچ وجه ندارم.[17]

4 - 4. بنيانگذار جمهوري اسلامي امام خميني (سلام الله عليه) .

حضرت امام راحل(ره) در سالهاي پيش از تبعيد که در قم زندگي‏مي‏کردند هر روز بعد از درس تا هنگام نماز مغرب و عشاء به حرم بي بي دو عالم‏حضرت معصومه(س) شرفياب مي‏شدند و اين سيره مستمره ايشان در قم‏بود. چنانکه معظم له در نجف اشرف نيز هر شب ساعت 9 به حرم ملکوتي‏مولاي متقيان امام علي عليه السلام مشرّف مي‏گشت.[18]

4 - 5. فيلسوف شرق علامه طباطبائي (قدس سره) .

آيت الله علامه سيد محمدحسين طباطبائي حکيم و عارف وارسته در ماه‏مبارک رمضان هر روز به هنگام افطار به حرم نوراني کريمه اهل بيت مشرّف‏مي‏شد و با بوسه بر ضريح مقدس آن بانوي بزرگ روزه‏اش را مي‏گشود.[19]

4 - 6. مقام معظم رهبري آيت الله العظمي سيد علي خامنه‏اي(دامت برکاته) .

رهبر فرزانه انقلاب اسلامي در آيين غبارروبي حرم مطهر حضرت‏معصومه(س) به عنوان خادمي افتخاري شرکت کرده و صورت روي مرقد مطهرعمه‏اش فاطمه معصومه(س) نهادند و اخلاص و ارادت خود را به آستانه مقدس‏دختر امام، خواهر امام و عمه امام کريمه اهلبيت نشان دادند.[20]

5 . کرامتهاي حضرت معصومه(س)

از روزي که مرقد نوراني دختر باب الحوائج در سرزمين قم بنا شد، همواره‏ملت ايران و ديگر ملل از الطاف و توجهات آن حضرت کسب فيض نموده‏اند. از آن‏زمان تاکنون کرامات بيشماري از وجود قدسي بانوي آب و آيينه مشاهده شده‏است که ثبت آن چندين مجلد کتاب مي‏شود. در اين مقاله گلچيني از کرامات‏حضرت تقديم علاقمندان و دوستان آل اللّه مي‏گردد:

5 - 1 . آية الله العظمي فاضل لنکراني (قدس سرّه الشريف) فرمود:روزي به حرم مطهر حضرت معصومه(س) تشرف پيدا کردم. بعد از آنکه‏زيارتنامه خواندم، خدمت عمه جانم عرض کردم من امروز آمده‏ام و هيچ‏حاجتي مثل پول و منزل و امثال ذلک ندارم. فقط يک حاجت دارم و آن اين‏است که در فهم آيه تطهير مورد عنايت شما واقع شوم. آيه تطهير را درست‏بفهمم و بنويسم و حل مشکلم کنم. بعد آمديم و شروع کرديم به نوشتن آيه‏تطهير، يک مسائلي و يک مطالبي به برکت حضرت براي ما روشن شد که شايدبا 50 سال درس خواندن براي ما روشن نمي‏شد! ... بنابراين ما در شهري قرارگرفته‏ايم که همه چيز در آن هست. نه تنها مسائل مادي، علم، تقوا، اسلام، دين‏و هر چه بخواهيد از اين قبر مطهر و صاحب قبر مطهر، حضرت‏معصومه(س) بخواهيد.[21]

5 - 2 . آية الله العظمي مکارم شيرازي (دام ظله) مي‏فرمايد: بعد ازفروپاشي شوروي و آزاد شدن جمهوري‏هاي مسلمان‏نشين از جمله جمهوري‏نخجوان، مردم آنجا تقاضا کردند عده‏اي از جوانانِ خود را به حوزه علميه قم‏بفرستند تا براي تبليغ در آن کشور تربيت شوند.

مقدمات کار فراهم شد و استقبال عجيبي از اين امر شد. از ميان 300داوطلب، 50 نفر که معدل بالايي داشتند و جامع‏ترين آنها بودند براي اعزام به‏ايران انتخاب شدند. در اين ميان جواني که با داشتن معدل بالا، به سبب نقصي‏که در يکي از چشمهايش وجود داشت انتخاب نشده بود، با اصرار فراوانِ پدرايشان، مسئول گزينش ناچار از قبول و اعزام او شد. هنگام اعزام، فيلمبردار ازمراسم بدرقه اين کاروان علمي فيلم گرفت و دوربين را روي چشم معيوب جوان‏متمرکز کرد و تصوير ويژه‏اي از آن به نمايش گذاشت. جوان با ديدن اين منظره‏بسيار ناراحت و دل شکسته شد. وقتي کاروان به قم رسيد و در مدرسه مربوطساکن شدند، اين جوان به حرم مشرّف شد و با اخلاص تمام به حضرت متوسل‏شد. در همان حال راز و نياز خوابش برد، در خواب عوالمي را مشاهده کرد و بعداز بيداري متوجه شد چشمش سالم و بي‏عيب است!

او بعد از شفا به مدرسه برگشت و دوستانش با مشاهده کرامت بانو و امرمعجزه‏آساي او، دسته‏جمعي به حرم حضرت معصومه شرفياب شده و ساعتهادعا و مناجات خواندند. با رسيدن اين خبر به نخجوان مردم آنجا مصرانه‏خواستند تا اين جوان به آنجا برگردد تا باعث بيداري و هدايت مردم گردد.[22]

5 - 3 . آيت اللّه حاج شيخ محمد باقر ملکي ميانجي فقيه و مفسر قرآن، دربخش شيعي از شمال و شمال شرق شهرستان ميانه نفوذ معنوي داشت و درآنجا زندگي مي‏کرد. در سال 1337 شمسي بر اثر ستم و فشار بعضي از خوانين‏آن منطقه مجبور به مهاجرت به قم گرديد.

پس از ورود به قم حدود دو سال در منازل استيجاري سکونت داشت و چندبار در چند منزل جا به جا شد و از اين موضوع در ناراحتي و عذاب بود.

وي مي‏گويد: روزي از صحن حرم حضرت معصومه(س) گذر مي‏کردم‏خطاب به آن حضرت عرض حاجت کردم و گفتم: خانم، ما در زادگاه خودخانه‏اي هر چند گِلي داراي اندروني و بيروني داشتيم. اما اينطور که شما به ماتوجه مي‏کنيد بايد برويم در حاشيه و اتاقي براي خود فراهم کنيم و اهل و عيال‏را اسکان دهيم!

پس از مدتي يک روز به مناسبت ميلاد حضرت امام رضا(ع) در مجلس‏جشن منزل آقا سيد محمدرضا سعيدي خراساني (شهيد سعيدي) شرکت‏کردم که برادرزاده‏ام آمد و گفت: در خانه ميهمان داريم.

به منزل برگشتم ديدم يکي از افراد خيّر آذربايجاني ساکن تهران ميهمان‏ما است (خدايش بيامرزد) به من گفت: تو چه کار کرده‏اي که در خواب هي‏مرا کتک مي‏زنند که برو براي فلاني خانه بخر! آن مرحوم قيمت خريد خانه‏اي رادر اختيارم نهاد که با آن ساختماني که سه اتاق داشت در سال 1339ش بابيست هزار تومان خريداري کردم.[23]

5 - 4 . در زمان مرجعيت آيت الله مؤسس شيخ عبدالکريم حائري، شخصي بودکه بسياري از مردم قم او را ديده بودند. پاهاي اين شخص فلج بود و توانايي‏حرکت نداشت. به طوري که براي راه رفتن خود را روي زمين مي‏کشيد. او ازاهالي قفقاز شوروي سابق بود براي شفاي خود به مشهد الرضا(ع) و از آنجابه قم به درگاه حضرت معصومه(س) آمده بود تا شفا بگيرد.

در يکي از شبهاي ماه رمضان بود که صداي نقّاره‏خانه بلند شد. سابقا در قم‏هم هرگاه کرامتي از حضرت صادر مي‏شد نقاره‏خانه را به صدا مي‏آوردند تا مردم‏از موضوع مطلع و حاضر شوند. علت را پرسيدند: خادمان گفتند حضرت‏معصومه(س) ، بيماري را که از ناحيه پاها عاجز بود شفا داد. معلوم شد اين‏شفا يافته همان بيمار قفقازي است.[24]

6 . يک پرسش و پاسخ آن.

چرا حضرت معصومه با آن مقام والاي معنوي و سن 28 سالگي ازدواج‏نکردند؟ آنچه مسلم است هيچيک از دختران امام کاظم عليه السلام ازدواج‏نکردند.

در اين باره چند نظر ابراز شده، از جمله وصيت امام موسي کاظم عليه‏السلام مبني بر ازدواج نکردن آنان و نيز نبودِ کفو براي آنان. امّا اين دو رأي‏صائب و صحيح نيست. زيرا وصيت‏نامه امام موسي کاظم(ع) خلاف نظر اول‏است و سيره امامان عليهم السلام هم نظر دوم را رد مي‏کند. به طور مسلّم نظرسوم صحيح به نظر مي‏رسد و آن، اين که: خفقان شديد حکومت سياه هارون‏فرصت و جرات ازدواج کسي با دختران امام کاظم را فراهم نمي‏آورد. در اين دوره‏خفقان و اختناق به جايي رسيده بود که کسي جرات نداشت به خانه امام کاظم‏آمد و شد کند تا چه رسد به اينکه آرزوي دامادي حضرتش را در سر بپروراند.بررسي تاريخ عصرِ حضرت، گواه عادلي بر اين نظريه است.[25]

7. هجرت و رحلت‏

امام رضا عليه السلام که بزرگ خاندان پيامبر(ص) در عصر خود و امام‏شيعيان بود، به دستور مأمون مدينه را ترک کرد و به ايران روي آورد. علويان‏بسياري نيز پس از حضرت به ايران کوچيدند از آن جمله خواهر گرامي آن امام‏همام، دخت والاگهر امام موسي بن جعفر نيز بدين سرزمين هجرت کرد. کتاب(مَنْ لا يَحْضَرُهُ الخَطيبُ) دليل هجرت حضرت معصومه(س) رادعوتنامه برادرش علي بن موسي الرضا مي‏داند.[26]

به هر حال حضرت در مسير سفر در ساوه بيمار شد و از اطرافيان، از قم وفاصله آن از ساوه پرسيد و دستور داد او را به قم بياورند. بدينگونه حضرتش درتاريخ 23 ربيع المولود وارد شهر قم شد و پس از تحمل 17 روز بيماري در تاريخ‏10 ربيع الثاني دنيا را وداع گفت و در سرزمين قم مدفون گشت. (سَلامٌ‏عَلَيْها يَوْمَ وُلِدَتْ وَ يَومَ ماتَتْ وَ يَومَ تُبْعَثُ حَيّاً)

به جاي نتيجه:

اي به جلالت ز آفرينش برتر

ذات تو تنها به هر چه هست برابر

زاده خير الوري رسول مکرّم‏

بضعه خير النساء بتول مطهر

از تو تسلي گرفته خاطر گيتي‏

وز تو تجلي نموده ايزد داور

عالم جاني و عالم دو جهاني‏

اخت رضايي و دخت موسي جعفر

فاطمه‏ات نام و از سلاله زهرا

کز رخ او شرم داشت زهره ازهر

اي تو به حوّا ز افتخار مقدم‏

ليک ز حوّا به روزگار مؤخر

تا که ترا نافريده بود خداوند

شاهد هستي نداشت زينت و زيور

بهر وجود تو کرد خلقت گيتي‏

کز پي روح است آفرينش پيکر

هست ز يک نور پاک ايزد ذو المَن‏

ذات تو و حيدر و بتول و پيمبر

گر ز يکي شمع صد چراغ فروزند

نور نخستين بود که گشته مکرّر

صبح صفت ناکشيده يک نفس از دل‏

روز تو شد تيره‏تر ز شام مکدّر

پيشتر از آنکه رخ به خاک بپوشي‏

جمله گلها شکفته بود و معطّر

تيره شد از بس که سوخت سينه لاله‏

خيره شد از بس گريست ديده عبهر[27]

چون علوي‏زادگان به سوگ تو در باغ‏

غنچه به سر چاک زد عمامه اخضر

از پي خدمت، چو خادمان به مزارت‏

بر سرِ يک پاي ايستاده صنوبر

بس کن (قاآنيا) ثناي کسي را

کش ملک العرش مادح است و ثناگر